

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛ ذلت، پستی و بدبختی، در خوی ناپسند حرص و از نهفته است.

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۲ - غروب آفتاب: ۱۶:۵۴  
■ اذان مغرب: ۱۷:۱۵ - نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۷  
■ اذان صبح فردا: ۵:۴۰ - طلوع آفتاب فردا: ۷:۱۱

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

■ پدربزرگ آگهی:

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز تون

■ چاپ: همشهری

■ تلفن: ۰۲۸-۷۵۰۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴

■ کدپستی: ۰۴۹۵۶-۱۹۶۶۶-تهران، صندوق پستی ۱۹۳۱۵/۵۴۴۶

■ تلفن: ۰۲۳-۳۳۰۰۰۰، ۰۲۳-۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir

■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

# همیشه پدید می آید

صفحه آخر



وصال اوز عمر جاودان به خداوند امرا آن ده که آن به حافظ

## داستان یلدا

### شبکی که ماه به شکل هندوانه در آمد

**علی اله سلسیمی** ننه ایران از مدت ها قبل بر نامه ریزی کرده بود و مطابق سلیقه هر یک از بچه ها، تنقلات رنگارنگ و خوشمزه جور کرده، شیرینی پخته و سفره های چیده بود که آدم را وسوسه می کرد کنارش بنشینند و دست ببرد به سمت خوردنی که دوستش دارد. انتظار ایران خانم هم همین بود؛ بچه ها همگی بیایند، حالا که خودشان بزرگ شدند بچه ها بشان و عروس ها و دامادها بیایند و مانند همه آن سال های دور که با بودن بچه ها خانه پر از شور و شادمانگی می شد، بگویند، بخندند، سر به سر همدیگر بگذارند، سر خوردن و تنقلات و شیرینی های خانگی ایران خانم که همه فامیل و دوست و آشنا از طعمش تعریف می کردند و هنوز هم اگر آن را بچسبند نظرشان همان است. از همدیگر سبقت بگیرند و خلاصه با بودن شان در خانه پدری، رنگ شاد زندگی را، به اندازه یک شب هم که شده به خانه ساکت زن و شوهر پیر بیاشند و طولانی ترین شب سال را به خاطره انگیزترین شب این سال ها تبدیل کنند؛ این سال های سالمندی برای زن و شوهری که به عشق بزرگ شدن بچه ها پیر شده بودند و حالا هم همه دلخوشی شان، دلخوشی بچه ها بود. انتظار ننه ایران خیلی طول نکشید؛ بچه ها به موقع آمدند. سر شب با همسر و بچه های شان و دست های پر از خوردنی های عجیب و غریب برای ننه ایران که حتی نام بیشتر آن خوردنی ها را هم نمی دانست. عروس ها و دامادها بسته های خورده را بسته ننه ایران دادند که کنار سفره بگذارد. ننه ایران با مهر و لبخند صدایش را بلند کرد که چرا اینها را خریده ای، من خودم همه چیز را تهیه کرده ام. هر جور خوردنی و تنقلات که به یادمانده بود دوست شان دارید. عروس ها هم خندیدند و گفتند غصه نخور مادر جان همه خوردنی ها را امشب می خوریم. شب بلند است و ما هم امشب مهمان خانه شما هستیم. ننه ایران خوشحال شد، اما این خوشحالی با جمله ای که عروس کوچک به زبان آورد، رنگ باخت. عروس کوچک گفت: «مادر جان بچه های امروز از این خوردنی های فسفودطور و بفتکطور بیشتر خوش شان می آید.» بعد خنده بلندی کرد و گفت: «تنقلات و شیرینی های خانگی شما را ما خودمان طوری می خوریم که همه ظرف ها از شب خالی شود.» ننه ایران اولش گیج شده بود از این حرف عروس کوچک، اما خیلی زود به خود آمد و گفت: «آره دیگه بچه های امروزند، دیگه چه میشه کرد.» بعد هم رو به عروس کوچک کرد و گفت: «نوش جان نان، همه را درست کرده ام که شما بخورید عزیزان دلم، نوش جانان.» ساعتی بعد که پاسی از شب گذشته بود، بچه ها هر یک در گوشه ای از خانه بزرگ و دنج ننه ایران با بسته های خوردنی در دست که با خود آورده بودند و گوشه موبایل در دست دیگر مشغول بودند و عروس ها و دامادها هم هر چند کنار سفره بودند، اما یک چشم شان به گوشی موبایل بود و یک چشم شان به تلویزیون که داشت بر نامه ویژه شب یلدا را پخش می کرد و چند مهمان از سلسیمی های همیشه خندان در تلویزیون با هم بگو و بخند داشتند. ننه ایران و شوهرش هم گوشه ای ساکت نشسته بودند. ننه ایران بلند شد رفت برده اتاق را کنار زد و پنجره را باز کرد. هوای خنک آخرین شب پاییز به داخل خانه وزید و حواس بچه ها و عروس ها و دامادها را به خود جلب کرد. یکی از بچه ها گفت: «مادر بزرگ بیرون خبری شده پنجره را باز کردی؟» ننه ایران گفت: «آره ننه جان، دارم به آسمان نگاه می کنم؛ خیلی تماشا می شده، ماه به شکل هندوانه در آمده است!»

## برای رسمی که کیمیاست

# یلدا و روشنی فردا



**امیر جمال الدین مطلوبی**، اگر قرار باشد ذره بین برداریم و به جان زندگی مان بیفتیم، چه ها که نخواهیم دید. عادت های ناسالم غذایی، رفتار های جمعی نادرست، بی توجهی به آثار رفتارها و... حالا اگر بهانه ای پیدا بشود تا از شر یک یا چند تا از این بدی ها نجات پیدا کنیم، باید نهایت استفاده را از این فرصت عالی بکنیم. در تقویم ها شبی است که در آن، شیچره های طبیعی، صف می کشند برای پذیرایی از ما. آن هم در زمانه ای که تقریباً تمام یا دست کم بخشی از غذاهای ما غیر طبیعی است. از تفریحات مرسوم در این شب رجوع به دیوان حافظ است، یعنی یکی از بهترین مصادیق مطالعه. نیازی به گفتن نیست که در روزهای اشتغالات موبایلی، با سرانه پایینی که کتابخوانی در جامعه ما دارد این یک قلم تاجه حد کیمیاست. فضای معمول و متداول این شب بودن نوه ها و مادر بزرگ، پدر بزرگ ها در کنار هم است. شکاف نسل ها که معرف حضور تان هست. چه چیزی بهتر از این می تواند از تبعات این گسست خطرناک بکاهد. یکی دیگر از مزایای این شب زیبا از تباطی است که با فرهنگ و هنر سنتی و بومی ما دارد. هنری که به قول دوست و دشمن،

## میراث یلدا

### سرور نور

**سارا کریمان** / یلدا جشن زایش نور و پیروزی نور بر تاریکی است. آیینی باستانی که در فراز و فرود تاریخ همواره زنده و پابرجاست. برگزاری این جشن، ریشه در آیین باستانی ایرانیان؛ میراثی است که در آخرین شب پاییز و بلندترین شب سال است که با آغاز آن، روز میل طولانی شدن دارد؛ چراکه نور و روز نسبتی عمیق با طبیعت، زیست و حیات آدمیان داشته اند از این رو نزد ایرانیان مبارک و مقدس شمرده می شود. شب های زمستان، گاه نشستن و شنیدن و خواندن است. طعم برداشت را در هر خانه مزمره کردن یلدا که نزدیک می شود پیش تر شور و ذوقش می آید، کوچه و بازار به زینت نقل و آجیل شب چله رنگ و لعاب می گیرد. سفره یلدا تکریم خانواده و برپایی جشنی در کنار یکدیگر است که با انواع خوراکی ها طعم دار می شود.

قصه گوئی و تفال حافظ نیز بخش اصلی در آیین شب یلداست. یگانگی، تاریخمندی و ارزش فرهنگی آیین این به قدری است که در سال ۲۰۰۲ به طور مشترک از سوی ایران و افغانستان در فهرست میراث ناملموس جهانی یونسکو ثبت شده است.



نقش درخت انار بر فرش ایرانی

## نشان یلدا

### ایرانی ترین میوه دنیا

از میان تمام میوه هایی که در خاک ایران رشد می کنند، هیچ کدام شاید به اندازه انار، ایرانی نباشد. هر چند این میوه سابقه کهنی در دیگر مناطق دنیا دارد، بسیاری، منشأ آن را فلات ایران می دانند. این میوه، که خیلی ها آن را بهشتی می خوانند، جایگاه ویژه ای در افسانه ها و اساطیر و حتی زندگی روزمره ایرانی ها دارد. درخت انار، یکی از مقدس ترین درخت ها در اساطیر ایرانی است و گفته می شود در جایی رشد کرده که خون سیاوش ریخته شده است. این میوه، در افسانه های روزمره زندگی هم همچنان زنده است و خیلی از ما از پدر بزرگ ها و مادر بزرگ هایمان شنیده ایم که یک دانه از آن هزاران یا قوت انار، بهشتی است و هر کس آن را بخورد، راهش به بهشت باز می شود. به همین خاطر است که حتی یک دانه انار هم نباید حیف و میل شود. انار، در هنر ایرانی هم جایگاه خاصی دارد و از سنگ تراشی های باستانی گرفته تا نقاشی های معاصر، بخشی از هنر ایرانی بوده است. انار، در غرب هم به عنوان نشانه فرهنگ ایرانی شناخته می شود و با افزایش مهاجرت ایرانیان به کشورهای غربی و اروپایی، فرهنگ انار خوری هم در این مناطق تقویت شده است.



## دغدغه یلدا

### شب بلند داستان ها

**مریم ساحلی** / روزگار مان تیره باشد یا روشن، یلدا هر سال وقت رفتن پاییز صدامان می زند. آوایی که در طولانی ترین شب سال از امید نشان دارد. یلدا در خیال همان بلندبالاست با گیوهان سیاه و بیج در بیج. شاید نقش پیرانش انار باشد یا یک درخت سیب و گردن او بزیش شاید رسته ای ظریف از نقل و نبات باشد یا ریگ صحرا یا زبرد و یا قوت اما در جعد گیسوانش بی تردید هزارها داستان آویخته است. اصلاً مگر می شود که او این همه سال را پشت سر گذاشته باشد و از حکایت و داستان نشان نداشته باشد؟ مگر من و شما کم داستان در اعماق جان خویش نهفته داریم؟ واقعیت این است، سفره هامان رنگین باشد یا بی رنگ یلدا، شب داستان های بلند است. یک وقت هایی گوش جان می سپاریم به قصه رستم و فراسیاب و سیاوش؛ وقتی دیگر محفل مان روشن می شود به داستان سمک عیار و حسین کرد و لیلی و مجنون.

و اما همیشه آدم های داستان ها از دل گذشته ها نمی آیند. حکایت همسازگی کوچه بچگی هامان یا داستان آن زن دستفروش که اگر نباشد، سرمای خیابان دلنگش می شود هم شنیدنی است. می شود را دور نرفت، قصه جای خالی عمارتی زیبا با پنجره های چوبی و ایوان و ستون های فیروزه ای که حالا به جای زشت ترین برج دنیا قد کشیده یا داستان رفیقی که نمی دانیم پشت کدام بیج زمانه گمش کردیم، هم باید گفت. یلدا، شب داستان های بسیار است. می شود بنشینیم در کنار هم و از همه آن داستان هایی بگویم که عمری در خلوت مان زیسته اند، داستان هایی که با رنج ها و لیخنده هامان در هم آمیخته اند. می دانم و می دانید که وقتی داستان نشسته در جان مان را روایت می کنیم، از سنگینی اندوه و حسرتش کم می شود. انگار که پرندگانی غمگین از درون مان بر می گردند و می روند. کاش داستان بگویم و بشنویم.



## جهان نما

# یک شب بلند برای یک جشن طولانی

دوران بسیار کهن مورد توجه انسان بوده و ما تنها کسانی نیستیم که یادمان نمی آید از زمانه ای این شب را جشن می گیریم. در تمام این آیین ها، ماه جشن تقریباً یکی است و بازگشت خورشید و طولانی شدن روزها که نشانه بیشتر شدن نور است، مورد توجه قرار می گیرد. اما جشن ها همگی باستانی نیستند و در مواردی، سنت جشن گرفتن شب یلدا، را بیخچه کوته ای دارد.

ما در ایران، بلندترین شب سال را یلدا و چله می خوانیم و تا آنجا که یادمان می آید، آن را جشن گرفته ایم. این شب، در واقع انقلاب زمستانی است که به تقویم ما شمالی های زمین، امشب یا فردا می شود. آنهایی که در نیمکره جنوبی زمین زندگی می کنند بلندترین شب سال را جشن می گیرند، اما به تقویم ما، شب چله آنها، آخر خردادماه است؛ چون فصل ها در ۶ نیمکره زمین، تابه تا هستند. این پدیده نجومی، از

## سویال

جشن سرخوستان هوایی در شمال آرژونو برای انقلاب زمستانی، سویال است. مراسم و جشن ها شامل دادن هدیه، رقص های آیینی و تطهیر روح و جسم است. آنها در این جشن، از کاجیها میزبانی می کنند که ارواح محافظی هستند که از کوه ها برای جشن پایین می آیند. مردم در این شب، عصاهای مخصوصی برای دعا و طلب آموزش می سازند.



## اینتی رایمی

اینتی رایمی، وقتی برگزار می شود که ما دیگر وارد فصل گرما شده ایم، اما چیزی که برای ما انتهای خرداد است، برای مردم پرو، وقت جشن انقلاب زمستانی است. این جشن، به تمدن انیکاهای برمی گردد و در واقع ستایش از خدای خورشید است. سابقه این جشن، به قبل از ورود اسپانیایی ها به پرو برمی گردد و شامل جشن هایی با شکوه و قربانی کردن حیوانات بوده است. برخی منابع می گویند که در دوران باستان، بچه ها هم در این جشن قربانی می شدند. اسپانیایی های این جشن را ممنوع کردند، اما در قرن بیستم، دوباره رواج یافت؛ هر چند دیگر خیسری از قربانی کردن نبود. اینتی رایمی، در پرو هواداران زیادی دارد.



## میانه زمستان

چیزی که برای ما شروع زمستان است، در جنوبگان در واقع میانه زمستان است. آدم های کمی جرأت و انگیزه کافی برای حضور زمستانی در جنوبگان را دارند و ساکنان آنجا، در واقع دانشمندان و محققانی هستند که فصل بسیار طولانی و خطرناک زمستان را در کمپ های تحقیقاتی سپری می کنند. جشن آنها، در واقع زمانی برگزار می شود که ما در نیمکره شمالی از بیشترین نور روز استفاده می کنیم. این جشن، در سال های اخیر به یک سنت در کمپ های تحقیقاتی تبدیل شده و شامل پختن غذاهای خاص، دیدن فیلم و حتی دادن هدیه های دست ساز می شود.



## دو ننگ ژنی

دو ننگ ژنی، به معنای «فرار سیدن زمستان»، جشنی بسیار مهم در چین است. این جشن، بهانه ای است تا خانواده ها کنار یکدیگر قرار بگیرند و سالی را که پشت سر گذاشته اند، جشن بگیرند. بر اساس تقویم سنتی چینی، این جشن بین روزهای ۲۱ تا ۲۳ دسامبر برگزار می شود. (امروز ۲۱ دسامبر است) گفته می شود که این مراسم، در واقع جشن پایان فصل برداشت محصول بوده و همزمان با برگشتن کشاورزان به خانه و آوردن محصولات میوه های خانواده ها بشان برگزار می شد. یکی از غذاهای محبوب این شب، کوفته برنجی است.

## سانتا لوسیا

روز سانتا لوسیا، جشن نور است که نزدیک به انقلاب زمستانی در کشورهای اسکاندیناوی برگزار می شود. هر چند این روز، مشخصاً برای بزرگداشت سانتا لوسیا، یکی از شهیدان مسیحی برگزار می شود، اما برگزاری آن به قبل از دوران مسیحیت برمی گردد و بهانه ای برای بزرگداشت انقلاب زمستانی بوده است. در جشن اولیه، در طولانی ترین شب سال، برای دور کردن ارواح، آتش بازی می کردند.